

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۶

بررسی و تحلیل نقش دعا در تعجیل بخشی ظهور

حسین الهی نژاد^۱

چکیده

نوشتار حاضر به بحث دعای فرج و نقش تأثیرگذار آن در تعجیل بخشی ظهور پرداخته و جهت توجیه آن به طرح دلایل و مستندات قرآنی و روایی مبادرت می‌نماید. در منابع و مآخذ شیعه از حضرات معصومین علیهم‌السلام دعا برای رخداد ظهور یعنی دعای فرج، فراوان نقل شده و فراوان به شیعیان توصیه شده تا در این خصوص مداومت داشته باشند. به طور کلی حضرات معصومین علیهم‌السلام دعای فرج را در قالب مقولات سه‌گانه «ادعیه»، «زیارات» و «احادیث» ارائه نموده‌اند. یعنی برخی از دعاهای فرج در ادعیه مأثوره نقل شده و برخی در متون زیارت ائمه علیهم‌السلام و برخی دیگر در احادیث و روایات آمده است. تأثیرگذاری دعای فرج در تقدم بخشی ظهور دارای مبانی و دلایلی است نظیر «بداء پذیر بودن زمان رخداد حوادث اجتماعی» و «تغییرپذیر بودن زمان رخداد حوادث اجتماعی با دعا» و «اجابت‌پذیری به‌عنوان اصلی‌ترین هدف دعا» که در واقع با این دلایل و مستندات می‌توان به استدلال و توجیه‌پذیری نقش دعای فرج در تقدم بخشی ظهور پی برد.

واژگان کلیدی

دعای فرج، ظهور، بداء، فرج عام، فرج خاص، فرج خواهی مطلق، فرج خواهی مقید.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (hosainelahi1212@gmail.com).

دعا از جمله عواملی است که در تعجیل بخشی ظهور نقش اساسی دارد نقش دعا در راستای قانون علت و معلول و سنت قضا و قدر توجیه می‌شود. این نقش آفرینی هیچ‌گونه تعارض و تهافتی با قانون مند بودن ظهور بر اساس قانون علیت و سنن الهی ندارد. زیرا خدای حکیم در پیامدی و رابطه مندی میان علت و معلول، دعا و تضرع را جزء العله تلقی نموده که تمامیت قانون علیت با آن به کمال می‌رسد یعنی فرایند شکل‌گیری علت‌های ناقصه جهت رخداد ظهور با دعا به برآیند علت تامه منتهی می‌شود و همچنین در سنت‌های الهی که در قالب قضا و قدر رخ می‌نماید، دعا در فرایند و شکل‌دهی آن دخیل بوده و به‌طور کلی مقدرات الهی به‌وسیله دعا به نقطه ابرام و یا ادبار می‌رسند (مجلسی: ۱۴۰۴: ج ۱۲، ۵).^۱

بی‌شک در منابع دینی پیرامون بحث تعجیل بخشی ظهور و نقش دعا در آن از حضرات معصومین علیهم‌السلام بیانات مختلفی منقول است که این بیانات با رویکرد کلی در قالب جستارهای سه‌گانه «ادعیه»، «زیارات» و «احادیث» مقوله‌بندی می‌شود. بی‌شک کثرت فراوانی منابع دینی و نیز کثرت فراوانی منقولات در این خصوص همه نشان از اهتمام وافر حضرات معصومین علیهم‌السلام به نقش داشتن دعا در تعجیل بخشی ظهور دارد که البته در اینجا قبل از پرداختن به جستارهای سه‌گانه فوق و تبیین منابع و تحلیل مستندات آنها ابتدا با درافکندن مقولات چهارگانه‌ای به عنوان مبنای بحث نوشتار را آغاز می‌نمائیم.

۱. بدا پذیر بودن مقدرات بشر

بدا از جمله آموزه‌های مهم مذهب تشیع است و در لغت به معنای ظاهر شدن است و در اصطلاح عبارت است از آشکار شدن امری از ناحیه خداوند برخلاف آنچه ظاهر بوده است که در واقع اولی را محو و دومی را اثبات کرده و خدا به هر دو حادثه آگاه است. گفتنی است که بدا درباره خدا دگرگون شدن تصمیم و اراده نیست، بلکه این لفظ همانند غضب و رضا در حق خدا استعمال مجازی دارد و «بدا لله» بدین معناست که از جانب او ظاهر شد. مقوله بدا از حمایت‌های قرآن برخوردار بوده و آیات مختلفی به بیان این موضوع پرداخته‌اند. (رعد: ۳۹؛

۱. اعلم أن لوجود الكائنات وعدمها اسباباً وشروطاً وأبى الله ان يجرى الأشياء إلا بالأسباب ومن جملة الأسباب لبعض الأمور الدعاء فما لم يدع لم يعط ذلك الشيء واما علمه (سبحانه) تابعاً للمعلوم لا بصير سبباً لحصول الأشياء؛ وقضاؤه تعالى وقدره ليساً قضاءً لازماً وقدرراً حتماً و إلا بطل الثواب والعقاب والأمر والنهي كما مر عن أمير المؤمنين عليه السلام.

مأئده: ۲۶؛ یونس: ۹۸؛ صافات: ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷) از این رو بدا ریشه و خاستگاه قرآنی دارد. (مطهری: ۱۳۷۹: ج ۱، ۳۶۳)

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)؛

خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه خود آنها تغییر دهند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (انفال: ۵۳)؛

این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند.

از جمله سنت های قطعی الهی، سنت تغییرپذیر بودن مقدرات بشر و واگذاری آن به دست بشر می باشد که این دو سنت از آیات فوق و آیات همسو قابل برداشت است یعنی بشر می تواند نسبت به سرنوشت خویش علاوه بر تعیین، دست به تغییر نیز بزند به بیان دیگر براساس داده های قرآنی، بشر نسبت به مقدرات خود دست بسته و بی اراده نبوده بلکه می تواند به دو کار مهم یعنی تعیین سرنوشت و تغییر آن اقدام نماید.

شایان ذکر است؛ پدیده ها و مولفه های دینی که در تاریخ بشریت به وقوع پیوسته و تعیین کننده مقدرات بشر می باشند در دو قالب تعریف می شوند؛ «کلیات و اصول» که از مسلمات دین به حساب می آیند و «جزئیات و فروع» که از متغیرات دین محسوب می شوند. مقوله بدا تنها در امورات جزئی و فرعی اجرائی می شود نه در امورات کلی و اصول (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۵۷) مثلاً آموزه هایی نظیر نبوت و امامت و ظهور و... که از امورات کلی و مسلمات دین به حساب آمده بدا در اصل تحقق آنها جاری نمی شود بلکه در مورد جزئیات و فروع آنها نظیر زمان رخداد بعثت و زمان رخداد ظهور، بدا ممکن بوده و تقدم و تأخر زمانی در آن دو ممکن می باشد.

۲. تغییر پذیر بودن مقدرات با دعا

﴿قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾ (فرقان: ۷۷)؛

بگو پروردگرم به شما اعتنائی نمی کرد اگر دعای شما نبود.

در فرهنگ و تعالیم دینی مقوله دعا دارای جایگاه مهم و اساسی است و به عنوان یک ابزار ارتباطی توجیه گر رابطه میان بشر و خدا می باشد. دعا نه تنها در امورات فردی و اجتماعی بشر در دنیا نقش ایفا می کند سعادت و فلاح حیات اخروی بشر را نیز به ارمغان می آورد براساس

داده‌های قرآنی و روایی این تأثیرات و ایفای نقش به حدی است که موجبات تغییرات در سرنوشت بشر و نیز موجب ابرام و ادبار قضا و قدر الهی می‌گردد.

چنان که امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا (حرعاملی: ۱۴۰۹: ج ۷، ۳۶):

دعا قضائی که از آسمان نازل شده و به طور حتم قطعی شده را برمی‌گرداند.

علی بن ابراهیم از قول امام معصوم علیه السلام نقل می‌کند:

إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ يَنْقُضُهُ كَمَا يُنْقَضُ السِّلْكُ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا (کلینی، ۱۴۰۷:

ج ۲، ۴۶۹):

دعا قضاء را برمی‌گرداند مثل ریسمان بافته شده محکم که از هم جدا شده و پنبه می‌شود.

امام صادق علیه السلام به میسر می‌فرماید:

يَا مُبَسِّرِ ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فَرَعُ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنَزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئًا فَسَلْ تُعْطَ يَا مُبَسِّرِ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُفْرَعُ إِلَّا بِوَشِكٍ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ (همان: ۴۶۷):

ای میسر! دعا کن و مگو که امر گذشته است، راستی در نزد خدا عزوجل مقامی است که بدان نتوان رسید جز به درخواست، اگر چنانچه بنده‌ای دهان خود بندد و درخواستی نکند چیزی به او داده نشود، تو درخواست کن تا به تو بدهند، ای میسر! هیچ دری کوبیده نشود جز آن که در معرض آن قرارگیرد که به روی کوبنده خود باز شود.

چنان که از محتوای روایات بالا برداشت می‌شود دعا نه تنها جلوی تقدیر الهی را گرفته و در آن تغییر ایجاد می‌کند جلوی قضای حتمی الهی را نیز گرفته و در آن نقض ایجاد می‌کند در این خصوص امام صادق علیه السلام به میسر گوش زد می‌کند که نگوید حکم صادر شده و قضا حتمی گردیده پس دست از تلاش و کوشش بردارد زیرا هیچ ارتزاق و اعطائی از ناحیه خدا بدون درخواست و دعا شکل نمی‌گیرد و هیچ درب بسته‌ای با دعا و مسئلت بسته نمی‌ماند.

پس بنابراین دعا در مقدرات فردی و اجتماعی بشر تغییر و تحول اساسی ایجاد می‌کند و به واسطه دعا قضا و قدر الهی از ابرام بودن در آمده و دست خوش تغییر و نقض قرار می‌گیرد. و این قاعده و سنت قطعی الهی دائمی بوده و در همه حوادث و پدیده‌ها از جمله حادثه ظهور به عنوان یک پدیده اجتماعی نیز جاری و ساری خواهد بود.

۳. اجابت، هدف کارکردشناختی دعا

دعا که به معنای مسئلت و درخواست بشر از خداست با رویکرد غایت شناختی و کارکردشناختی در ابعاد مختلفی قابل پی‌گیری است زیرا یک بار در دعا غایت و کارکرد معنوی مقصود است نظیر تقرب به خدا، نورانیت دل، صفای باطن، آرامش قلب و ارتباط با خدا. و بار دیگر در دعا غایت و کارکرد مادی هدف است نظیر رفع فقر، سلامت جسم، رفع اضطراب و... و دیگر بار در دعا غایت و کارکرد فردی ملاک است که این غایت و کارکرد در قالب مقولات سه‌گانه جسمی، روحی و رفتاری نمود و بروز پیدا می‌کند نظیر رفع بلا، رفع هم و غم، رابطه با خدا و اخلاق نیکو. و بار دیگر غایت و کارکرد اجتماعی در دعا مورد توجه است که در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی نظیر برکات آسمانی، مصالح عمومی، پاکیزگی جامعه از ذرایب اخلاقی و... نمایان می‌شود. شایان ذکر است مقوله «استجابت» بن‌مایه همه ابعاد و گونه‌های مختلف فوق که با دو رویکرد غایت شناختی و کارکردشناختی توجیه و تفسیر می‌شود می‌باشد به بیان دیگر دعا یک هدف و کارکرد اساسی و محوری به نام «استجابت» دارد یعنی دعاکننده اگر به دنبال رفع بلاست می‌داند رفع بلا بعد از استجابت حاصل می‌شود و همچنین اگر به دنبال تقرب به درگاه خداست می‌داند تقرب بعد از استجابت دعا تحقق پیدا می‌کند و موارد دیگر. پس هسته اصلی همه ابعاد و گونه‌های مختلف غایت شناختی و کارکردشناختی دعا، «استجابت» است. پس هدف اصلی دعا استجابت است و استجابت نیز بدون دعا قابل تصور نیست و در قرآن این رابطه دو سویه میان «دعا» و «استجابت» به خوبی بیان گردیده است. «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰) مرا بخوانید اجابت‌تان می‌کنم، «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره: ۱۸۶) وقتی بندگانم از من چیزی را بخواهند پس من نزدیکم و خواهش دعاکننده را به هنگامی که دعا نمود بر می‌آورم پس طلب اجابت کنند و به (اجابت) من ایمان بیاورند شاید رستگار شوند.

در این خصوص امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى آدَمَ يَا آدَمُ إِنِّي أَجْمَعُ لَكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ وَاحِدَةٍ لِي
وَوَاحِدَةٍ لَكَ وَوَاحِدَةٍ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَوَاحِدَةٍ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ فَأَمَّا الَّتِي لِي
فَتَعْبُدُنِي لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَأَمَّا الَّتِي لَكَ فَأَجْزِيكَ بِعَمَلِكَ أَخْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَأَمَّا
الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَى الْإِجَابَةِ وَأَمَّا الَّتِي فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ

فَتَرَضَىٰ لِلنَّاسِ مَا تَرَضَىٰ لِنَفْسِكَ (صدوق، ۱۴۰۳: ۱۳۷)؛

خداوند تبارک و تعالی به آدم وحی کرد: ای آدم من همه نیکی‌ها را در چهار کلمه برایت گرد آورده‌ام: یکی برای من است، و یکی برای تو، و یکی بین من و تو، و یکی میان تو و مردم، اما آنکه مخصوص من است این است که مرا پرستش نمائی و چیزی را همتای من نسازی، و آنکه از آن تو است آن است که پاداش کردارت را در محتاج‌ترین لحظه زندگی می‌دهم، و آنکه میان من و تو است آن است که بر تو است دعا کردن و بر من است اجابت، و آنچه بین تو و مردم باشد آن است که برای مردم بیسندی آنچه را که برای خود می‌پسندی.

پس وقتی که حضرات معصومین علیهم‌السلام در مورد رخداد ظهور دعا می‌کنند و یا به شیعیان کیفیت دعا کردن را در این خصوص آموزش می‌دهند در واقع توجه به این هدف (اجابت) داشته و با این نگاه برای رخداد ظهور دعا می‌کنند. از این رو کثرت دعا‌های فرج در منابع دینی و به هدف مند بودن دعا‌های مأثور پس نشان می‌دهد دعای فرج حضرات معصومین علیهم‌السلام و آموزش آن به شیعیان با هدف برآورده شدن ادا می‌شود و این نشان از نقش داشتن دعا و تأثیرگذاری آن در تعجیل بخشی ظهور دارد.

۴. نکاتی چند جهت تبیین بحث

لازم است قبل از ورود به بحث و قبل از بیان تفصیلی آن نکات سه‌گانه‌ای را جهت تبیین بحث در افکنیم:

نکته اول؛ بیشتر دعا‌های مأثور از حضرات معصومین در مورد ظهور امام مهدی علیه‌السلام همراه با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام است. و این همراهی در واقع به جهت مستجاب بودن صلوات به نوعی دعای تعجیل فرج را نیز به نقطه استجابت نزدیک می‌کند.

نکته دوم؛ به طور کلی دعای فرج که به قصد تقدم بخشی ظهور ادا می‌شود در قالب‌های مختلفی قابل تقسیم است زیرا این اذکار یک بار در قالب «ادعیه»، «زیارات» و «احادیث» جلوه می‌کنند و بار دیگر به در قالب «فرج عام» و «فرج خاص» نمایان می‌شود که در واقع فرج عام همان فرج محمد و آل محمد و فرج اهل بیت بوده ولی فرج خاص فرج امام زمان علیه‌السلام و ظهور حضرت می‌باشد و دیگر بار به صورت «دعای فرج مطلق» و «دعای فرج مقید» متنوع می‌شود. که دعای فرج مطلق دعایی است که مختص به زمان و مکان خاصی نیست ولی دعای فرج خاص توصیه شده که این دعا در زمان و مکان خاصی خوانده شود.

نکته سوم؛ دعا برای امام زمان علیه‌السلام در انواع و گونه‌های مختلفی نظیر دعا برای سلامتی امام

زمان ﷺ، دعا برای تقرب به امام زمان ﷺ، دعا برای ارتباط و ملاقات با امام زمان ﷺ و دعا برای تسریع در ظهور امام زمان ﷺ تقسیم می شود که در این نوشتار بر اساس فرایند و غایت ترسیم شده که به دنبال بحث زمینه سازی ظهور و ممکن بودن آن برای بشر و نیز تأثیرگذار بودن اراده بشری در آن می باشیم پس لازم است در میان گونه های مختلف دعا، تنها به بحث دعا برای تقدم بخشی ظهور بپردازیم.

نقش دعای فرج در تقدم بخشی ظهور

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در خصوص بحث تأثیرگذار بودن دعا در ظهور و تقدم بخشی آن به واسطه دعا، داستانی را از قوم بنی اسرائیل نقل کرده که در مطلع بحث ابتدا به بیان آن می پردازیم: چون زمان رحلت یوسف شد، شیعیان و خاندانش را جمع کرد، پس حمد و ثنای الهی به جا آورد و سختی هایی را که در آینده برایشان اتفاق می افتد و طی آن مردان کشته می شوند و شکم زنان باردار دریده می گردد و کودکان سر بریده می شوند، برایشان بازگو کرد و این که این امر ادامه دارد تا این که خداوند، حق را در قوائم از نسل لاوی بن یعقوب آشکار می کند و او مردی است سبزه رو و بلند قامت و سایر صفاتش را برای آنان بازگو کرد. بنی اسرائیل این سخن یوسف را آویزه گوش کردند و پس از آن، دوره سختی بنی اسرائیل آغاز شد، در حالی که آنان چهارصد سال منتظر قیام قائم بودند تا این که به آنان بشارت تولد او داده شد و نشانه های ظهورش را مشاهده کردند و سختی هایشان شدت گرفت و... و در این میان فقیهی که با سخنانش در عصر غیبت آرامش می یافتند تحت تعقیب قرار گرفت و پنهان شد. بنی اسرائیل برایش پیام فرستادند که ما در سختی ها با سخن تو آرامش می یافتم. او در صحرائی با آنان ملاقات کرد و بر زمین نشست و برایشان از قوائم و صفاتش و نزدیک شدن امرش سخن گفت و آن شب، مهتابی بود. در حالی که آنان در گفت و گو بودند به ناگاه موسی بر آنان وارد شد و او در آن زمان جوان بود و از خانه فرعون برای تفریح بیرون آمده بود. او از همراهانش جدا شد و به سوی آنان آمد، در حالی که سوار بر استری بود و... چون آن فقیه او را دید، با صفاتش او را شناخت. پس به سوی او رفت و خود را بر پاهای او انداخت و آن ها را بوسید و گفت: «سپاس خدای را که مرا نمیراند تا این که تو را به من نمایاند.» چون بنی اسرائیل این واقعه را مشاهده کردند، فهمیدند که او همان صاحب شان است؛ پس به شکرانه خداوند به زمین افتادند و موسی چیزی بیش از این نگفت «که امید دارم خداوند در

گشایش کارتان تعجیل کند» و سپس غایب شد و به شهر مدین رفت و نزد شعیب تا مدتی اقامت گزید. پس غیبت دوم بر آنان از غیبت نخست سخت‌تر بود و آن پنجاه و چند سال بود و مشکلات بر آنان شدت گرفت و آن فقیه پنهان شد. پس برایش پیغام فرستادند که ما بر مخفی شدن تو نمی‌توانیم صبر کنیم. او به صحرایی رفت و آنان را نزد خود خواند و آنان را دلداری داد و به آنان گفت که خداوند به او وحی فرستاده است که پس از چهل سال، فرج را بر آنان فروخواهد فرستاد. آنان همگی گفتند: «حمد مخصوص خداوند است.» پس خداوند بلند مرتبه به او وحی فرستاد که «به آنان بگو: من به خاطر این که گفتید حمد مخصوص خداست، فرج شما را پس از گذشت سی سال قرار دادم.» آنان گفتند: «هر نعمتی از خداست.» خداوند به او وحی کرد که «به آنان بگو: من فرج را به بیست سال کاهش دادم.» و آنان گفتند: «خیر جز از ناحیه خداوند نیست.» خداوند به او وحی کرد که «به آنان بگو: من آن را به ده سال کاهش دادم.» آنان گفتند: «بدی را جز خداوند باز نمی‌گرداند.» خداوند به او وحی کرد که «به آنان بگو: از جای خود تکان نخورند که من به فرج شما اذن دادم.» پس در حالی که آنان بدین حال بودند، موسی در حالی که بر الاغی سوار بود، آشکار شد و فقیه خواست که بنی‌اسرائیل او را بشناسند و موسی نزدیک شد و نزد آنان ایستاد و بر آنان سلام کرد. فقیه از او پرسید: «نامت چیست؟» گفت: «موسی.» پرسید: «پسر که؟» گفت: «پسر عمران.» پرسید: «عمران پسر کیست؟» گفت: «پسر قاهت پسر لاوی پسر یعقوب.» پرسید: «برای چه آمده‌ای؟» گفت: «به پیامبری از سوی خداوند بلند مرتبه آمده‌ام» پس فقیه به سوی او رفت و دستش را بوسید. سپس میان آنان نشست و دلداری‌شان داد و فرمان خود را به آنان ابلاغ کرد و آنان را متفرق ساخت. پس میان این زمان و فرجشان به غرق شدن فرعون، چهل سال فاصله بود. (صداق، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۴۶)

آری روایت یادشده، گرچه درباره قوم بنی‌اسرائیل و تأثیر عملکرد آن‌ها در جلو افتادن ظهور موسی علیه السلام است، ولی با ضمیمه کردن یک مقدمه، می‌توان حکمی کلی مربوط به همه زمان‌ها و مکان‌ها استنتاج کرد. مقدمه یاد شده این است که تدابیری که خداوند متعال درباره جوامع انسانی اعمال می‌فرماید، بر اساس قوانین و به تعبیر قرآن، طبق سنت‌هایی است که خداوند متعال آن‌ها را مقرر فرموده؛ سنت‌هایی که تبدیل و تغییری در آن نمی‌رود و اساساً دلیل توجه خاص قرآن کریم به مباحث تاریخی و تأکید بر ماجراهای اقوام پیشین، همین نکته است که سرنوشت اقوام گذشته، خوب یا بد، بر اساس سنت‌های الهی است و تکرار وضعیت

اقوام گذشته، ما را دچار سرنوشتی مشابه سرنوشت آن‌ها خواهد کرد. بنابراین اگر روایت یادشده بر تأثیر عملکرد مردم در ظهور موسی دلالت دارد، از آن می‌توان چنین استنباط کرد که اراده الهی بر تحقق ظهور پس از عکس‌العمل یاد شده از سوی قوم بنی‌اسرائیل، اراده‌ای مخصوص زمان گذشته و قوم بنی‌اسرائیل نبوده، بلکه این اراده، براساس سنتی بوده که خداوند جوامع انسانی را بر اساس آن اداره می‌کند و اساساً مقصود پیشوایان معصوم در نقل این ماجرای تاریخی را صرفاً داستان‌سرایی نمی‌توان دانست. بی‌شک آنان با نقل این گونه ماجراها، دنبال هدفی بوده‌اند و آن هدف، درس آموختن و توجه به این معناست که آنچه بر اقوام گذشته جاری شده، برای ما و آیندگان نیز اتفاق خواهد افتاد.

ظهورطلبی در ادعیه

چنان که بیان شد طرح درخواست ظهور یعنی ظهورطلبی در قالب سه مقوله ادعیه، زیارات و احادیث قابل پی‌گیری می‌باشد که در این میان، یعنی در میان مقولات سه‌گانه، مقوله ادعیه بیشترین فضا و بستر را برای طرح تعجیل بخشی ظهور فراهم نموده است. بر این اساس در منابع دینی بیشترین جایی که بحث ظهورطلبی و گشایش فرج مطرح شده در دعاهای مأثور از حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. البته دعاهای مأثوری که در این خصوص وارد شده به جهت دوگانگی در فرج (فرج امام مهدی علیه‌السلام و فرج محمد و آل محمد) به دو قسم ظهورطلبی خاص و عام تقسیم می‌شود.

ظهورطلبی عام

در اینجا در خصوص ظهورطلبی عام که منظور فرج محمد و آل محمد علیهم‌السلام است به مواردی اشاره می‌شود:

دعا برای تعجیل فرج در عید قربان و روز جمعه: امام سجاد علیه‌السلام در دعای چهل و هشتم صحیفه برای عید قربان و روز جمعه، پس از اشاره به غصب حق وصایت و امامت اهل بیت علیهم‌السلام ابتدا بر دشمنان آنان لعن و نفرین خدا را طلب می‌کند و سپس با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد خواستار تعجیل در فرج و نصرت اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ... وَعَجِّلِ الْفَرَجَ وَالرَّوْحَ وَالنُّصْرَةَ وَالْتَّمَكِينَ وَالتَّائِيْدَ
هُنْم. (امام سجاد، ۱۳۷۶: ۲۳۸؛ کفعمی، ۱۴۰۵: ۴۳۶)

سجده شکر تعقیبات نماز ظهر: در باب کیفیت خواندن ۵۱ رکعت در یک شبانه‌روز آمده

است: نمازگزار بعد از نماز ظهر پس از صلوات، حوایج خود را بخواهد و دو سجده شکر به جا آورد و در سجده شکر بگوید:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ ... لَا إِلَهَ غَيْرَكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۲، ۵۵۸؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶: ج ۲، ۳۲۱)
 خدایا، به تو رو کرده‌ام و به دامن رحمت تو چنگ می‌زنم... خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج آن‌ها تعجیل فرما!

اعمال پنج‌شنبه و جمعه: در معوذات روز پنج‌شنبه آمده است: مستحب است در این روز به جز معوذات وارد شده، سوره قدر و این صلوات را صد مرتبه بخواند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ. (کفعمی، ۱۴۱۸: ۱۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۲۵۳)

در اعمال روز جمعه، صلوات و دعا برای فرج صد مرتبه ذکر شده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. (کفعمی، ۱۴۱۸: ۷۱)

امام صادق علیه السلام در روایتی که به طور مطلق برای روز جمعه نقل شده است می‌فرماید:

مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَبَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ) لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمُ. (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۳۶۸)

اعمال ماه مبارک رمضان: در باب دعا بین رکعات نماز که در دهه آخر شب‌های ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود آمده است:

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي. (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۷۷)

ادعیه سحرگاهان: کفعمی برای سحرها دعایی به نام «حریق» ذکر کرده است که بعد از جملات نخستین آن، پس از هر چند جمله، ذکر صلوات تکرار شده است. در جملات آخر دعا صلوات و دعای برای فرج اهل بیت علیهم السلام و همه مؤمنان یک جا نقل می‌شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ. (کفعمی، ۱۴۰۵: ۷۸)

دعاهای روز عاشورا: عبدالله بن سنان می‌گوید: روز عاشورا به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت بسیار محزون بود و پس از اشاره به مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام زیارتنامه‌ای یادم

داد که در جملاتی از آن آمده است:

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُتَافِقِينَ.
(ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۴۷۵)

ادعیه روز عرفه: امام صادق علیه السلام در فرازهای پایانی دعایی که پس از نماز ظهر و عصر در روز عرفه از ایشان نقل شده، بعد از درود بر محمد و آل اش، فرج آنان را مسئلت می نماید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ... اللَّهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَ
الْفَرَجَ لِيَّالِ مُحَمَّدٍ. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۶۹)

ظهورطلبی خاص

در کنار ظهورطلبی عام، ظهورطلبی خاص قرار دارد که در این مورد درخواست ظهور به صورت عام و مطلق مطرح نیست بلکه به صورت خاص یعنی تنها ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان مسئلت مطرح شده و از خداوند تعجیل و تقدم بخشی آن را تنها درخواست می نمایند که در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

دعای عهد: در دعای عهد که از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است، عاشقان مهدی علیه السلام با سوز و گداز چنین زمزمه می کنند:

اللَّهُمَّ ارِنِي الظَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ... وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛ (صدوق، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۶)
بارخدا، آن چهره ارجمند را به من بنمایان... در فرج او تعجیل کن و ظهورش را آسان نما.

باز در دعای عهد می خوانیم:

اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ؛ (همو)
خدا، این غم و اندوه را (که بر اثر غیبت او به ما رسیده) با حضور حضرت حجت علیه السلام برطرف نما و در ظهور او شتاب کن.

دعای توسل به ائمه علیهم السلام: در دعایی که در بردارنده توسل به فرد ائمه علیهم السلام است، می خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَابْتِنَتِهِ وَابْتِنَمِهَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّكَ قَادِرٌ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَجِّلْ يَا رَبِّ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَبْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۹، ۲۵۳)

خدایا، تو می‌دانی که من به توانایی تو برای برآورده کردن خواسته‌هایم آگاهم؛ پس بر محمد و آتش درود فرست و در فرج ولی خود و فرزند دختر پیامبرت تعجیل فرما.

دعای بعد از نماز امام زمان علیه السلام:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءَ وَبَرِحَ الْخَفَاءَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَأَظْهِرْ إِعْرَازَهُ. (ابن طاووس: ۱۳۳۰: ۲۸۱)

در این دعا پس از صلوات، به صراحت فرج آل محمد علیهم السلام، ظهور حضرت قائم علیه السلام بیان شده و پس از آن نیز آشکار شدن عزت و سربلندی دولت مهدوی مسئلت شده است. دعای امام رضا علیه السلام بعد از نماز جعفر طیار: حسن بن قاسم می‌گوید: دیدم امام رضا علیه السلام در غروب روز جمعه نماز جعفر طیار خواند و سپس دعایی قرائت فرمود که در اواخر آن پس از صلوات، فرمود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ وَأَنْصُرُهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۸، ۱۹۵)

امام رضا علیه السلام به صراحت فرج قائم آل محمد علیهم السلام را می‌خواهد و می‌فرماید: خدایا، به وسیله امرت در فرج قائم ایشان تعجیل فرموده و او را یاری کن. دعای کنز العرش: در دعای کنز العرش که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، پس از این که خداوند را به چهارده معصوم و انبیای الهی و مقربان درگاهش قسم می‌دهد، بعد از صلوات در جملاتی (که شبیه به دعای مشهور سلامتی حضرت حجت علیه السلام است) عرضه می‌دارد:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً... اللَّهُمَّ وَكُنْ لَوْلِيكَ فِي أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَمُحِبِّيهِ وَأَتْبَاعِهِ. (كفعمی، ۱۴۱۸: ۳۶۰)

از جمله دعاهای دوران غیبت که از شیخ عمری نقل شده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرِ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَإِمَامٍ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ؛ (مفید، ۱۴۱۳: ۱۳۱)

بارها! به درگاه تو از فقدان پیامبر و غیبت ولی خود و سختی زمانه و وقوع فتنه‌ها و چیرگی دشمنان و کثرت دشمنان و کمی عددمان شکایت می‌کنیم. بارها! با فتح عاجل و

نصرت عزتمند خود و امام عادل که ظاهر می‌سازی فرج را برسان

در تسبیح ده جزئی که برای روزهای مبارک رمضان بر هر یک از ائمه آمده از جمله امام زمان علیه السلام است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالٍ مِنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِنْ عَادَاهُ وَعَجِّلِ
اللَّهُمَّ فَرَجَهُ. (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۱۲۰)

از جمله دعاهایی که ائمه علیهم السلام برای تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام می‌خواندند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِيُوتِكَ الْفَرْجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ. (قطب الدین
راوندی، ۱۴۰۷: ۱۳۳)

چنان که نقل شده است امام صادق علیه السلام بعد از نماز ظهر دست به آسمان بلند کرده و این دعا را می‌خواند:

أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ... وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَمْكِنُهُ مِنْ
أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (ابن طاووس، ۱۴۰۶: ۱۷۱)

آری دعا برای تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام با شروطی که مقرر شده، سبب جلو افتادن آن است و با آن، همه‌گونه خیر و برکت آشکار می‌گردد و همه ضررها از بین می‌رود. و نیز از جمله آثار دعا مسرت و خرسندی کسی است که برایش دعا می‌شود، و سرور آن حضرت خود منفعتی عظیم است. (اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۴۶۴)

ظهورطلبی در زیارات

از جمله فضاها و بسترهایی که به نوعی خاستگاه نقل دعاهای فرج و درخواست تعجیل بخشی ظهور است زیارت نامه‌های حضرات معصومین علیهم السلام می‌باشد که در جای جای مختلف آنها فرازهایی از این نوع دعاها که تقدم بخشی ظهور را طلب می‌کند آمده است که در واقع امامان علیهم السلام با تدوین زیارت‌نامه‌ها همراه با فرازها و مضامین ظهورطلبی به نوعی پیام روشن به شیعیان می‌دهند که اولاً؛ میان امامان علیهم السلام با امام زمان علیه السلام رابطه وثیقی برقرار است. ثانیاً؛ هنگام یاد و ذکر امامان علیهم السلام باید به یاد آخرین امام بود.

زیارت‌نامه‌های ائمه اطهار علیهم السلام؛ در زیارت امام جواد علیه السلام آمده است که بعد از نماز زیارت، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را به جا آور و سپس این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَصَبْتُ يَدِي ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ
وَلِيِّكَ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا. (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۴۲)

همچنین در زیارتنامه امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا آمده است:

أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاكُمْ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ... اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَ
ابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۰۷؛ ابن
قولویه، ۱۳۵۶: ۳۱۳)

خداوند بهره زیارت مرا صلوات بر محمد و آلش قرار دهد ... خدایا، فرج امام عصر علیه السلام را
برسان و فرج و گشایش ما را همراه با فرج او قرار ده!

در زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ. (قی، ۱۳۷۸: ۶۰)

باز در زیارت امام زمان علیه السلام می خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَ
الْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَالْمُنْتَظَرِ لِذَنْبِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ وَأَخْرِجْ وَعْدَهُ وَأَوْفِ
عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ عَنْ بَأْسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمُحْتَنَةِ. (مجلسی،
۱۴۲۳: ۵۴۰)

بی شک اهتمام ظهور امام زمان علیه السلام در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام به حدی است که حضرات
معصومین علیهم السلام علاوه بر اینکه در زمان حیات خویش به این موضوع توجه جدی نموده و در
این خصوص از همه آن بزرگواران روایات متعددی نقل شده است در زمان ممات آنها نیز به
مسئله ظهور توجه ویژه شده است که ذکر فرج امام زمان علیه السلام در زیارتنامه‌های امامان نشان از
تأیید این مسئله دارد. آری شیعیان بر اساس توصیه‌های ائمه علیهم السلام همیشه به این کار مبادرت
ورزیده و در هنگام خواندن زیارتنامه علاوه بر یاد سپاری ائمه علیهم السلام به یاد سپاری امام زمان علیه السلام و
ظهور او نیز می پردازند و در واقع این کار به عنوان یک فرهنگ مقبول در میان شیعیان فراگیر و
نهادینه شده است.

ظهورطلبی در احادیث

علاوه بر ادعیه و زیارات که فراوان در آنها از ظهور امام زمان علیه السلام یاد شده در برخی احادیث

نیز به این موضوع اشاره شده است مثلاً در توقیع شریفی از حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است:

وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۷۱؛ صدوق، ۱۳۷۷: ج ۲، ۴۸۵)

برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید؛ زیرا گشایش کارهای شما در آن است.

امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود:

... وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) عَلَى الْقَوْلِ

بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱: ۱۳۶۳)

به خدا قسم (مهدی) غیبتی می کند که کسی از مهلکه آن (بی دینی و گمراهی) نجات نمی یابد، جز آنان که خداوند آن ها را در عقیده به امامتش ثابت قدم داشته، و موفق کرده است تا برای تعجیل در فرجش دعا کنند، (تا خداوند زودتر او را ظاهر گرداند).

روایات بالا که یکی از سخنان امام زمان علیه السلام و دیگر از فرمایشات امام حسن عسکری علیه السلام است در قالب روایات ظهورطلبی تعریف و نشانه گذاری می شوند از محتوای این نوع روایات مطلبی قابل اصطیاد است که دعای فرج با رویکرد غایت شناختی دو نتیجه و فایده را به بار می آورد یکی در قالب فایده کارکردشناختی خودنمائی می کند و دیگر در قالب فایده روان شناختی نمایان می شود. اجابت هدف دعای فرج با رویکرد کارکردشناختی است یعنی فرد منتظر وقتی که دعای فرج قرائت می کند هدف آن به استجاب رسیدن دعا و واقع شدن ظهور در جامعه است. ولی فایده روان شناختی دعای فرج در واقع همان آرامش و راحتی روانی است که فرد دعاکننده به دست می آورد چنانچه امام زمان علیه السلام در روایت اول می فرماید: «فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» یعنی خود دعای فرج خواندن به نوعی فرج و گشایش روانی برای شما حاصل می کند.

آری اگر کلمه «ذَلِكَ» به «الدُّعَاءُ» باز گردد با رویکرد روان شناختی توجیه می شود یعنی خود دعای فرج خواندن برای شما آرامش می آورد و اگر به «بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ» باز گردد با رویکرد کارکردشناختی توجیه شده و هدف در این نگرش به اجابت رسیدن دعای فرج و تحقق پیدا کردن ظهور است.

نتیجه گیری

در نتیجه و ختام بحث، تحقیقات پیرامون دعای فرج را در قالب مولفه سه گانه مفهوم شناسی، جایگاه شناسی و مبانی شناسی بازشناسی می نمائیم. دعای فرج از نظر

مفهوم‌شناسی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود زیرا دعای فرج یکبار به مطلق و مقید تقسیم می‌شود که مطلق بودن دعای فرج یعنی در هر مکان و زمانی خوانده شود و مقید بودن دعای فرج یعنی در مکان و زمان خاص خوانده شود و بار دیگر به عام و خاص تقسیم می‌شود که عام بودن دعای فرج یعنی طلب گشایش برای فرج آل محمد علیهم‌السلام و اهل بیت او و خاص بودن دعای فرج یعنی طلب ظهور تنها برای امام زمان علیه‌السلام. دعای فرج از نظر جایگاه‌شناسی در قالب مقولات سه‌گانه ادعیه، زیارات و احادیث خودنمایی می‌کند یعنی فرج‌طلبی یک بار در قالب ادعیه نمایان می‌شود و بار دیگر در قالب زیارات ادا شده و دیگر بار در قالب احادیث توصیه و سفارش می‌شود. که البته بیشترین حجم فرج‌طلبی در ادعیه و بعد در زیارات مطرح شده است. اما در آخرین مؤلفه یعنی مؤلفه سوم به بحث مبانی‌شناسی دعای فرج مبادرت می‌شود. که در این بحث یعنی بحث مبانی‌شناسی به اثبات منطقی بودن گزارشات و مستندات دعای فرج پرداخته و آن را از نظر شرعی و عقلی مبرهن می‌نماید مثلاً از جمله مبانی توجیهی دعای فرج بحث بدها‌پذیری حوادث اجتماعی است که تقدم‌بخشی ظهور نیز با این نگاه توجیه می‌شود. مبناي دوم؛ تغییرپذیری حوادث با دعا است که نقش دعای فرج در تقدم‌بخشی ظهور نیز با این نگرش تعریف می‌شود و مبناي سوم؛ بحث اجابت‌پذیری دعا است که هدف اصلی دعا و دعاکننده اجابت‌رسانی دعا است که دعای فرج نیز با همین نیت اداء می‌شود. آری با این مبانی سه‌گانه می‌توان بحث ظهورخواهی و فرج‌طلبی را مستدل، مبرهن و منطقی نمود.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن، *تحف العقول*، کتابچی، چ ۶، تهران ۱۳۷۶ ش
- ابن طاووس، علی، *الاقبال*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۶ ش
- _____، *جمال الاسبوع*، دارالرضی، قم ۱۳۳۰ ق
- _____، *فلاح السائلین*، بوستان کتاب، قم ۱۴۰۶ ق
- ابن مشهدی، محمد، *المزار الکبیر*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۴۱۹ ق
- ابن قولویه، جعفر، *کامل الزیارات*، دارالمرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ ش.
- اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم*، مسجد مقدس جمکران، چ ۷، قم ۱۳۸۷ ش
- خمینی، روح الله، *مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۶، تهران ۱۳۸۶ ش
- *صحیفه سجادیه*، دفتر نشر الهادی، قم ۱۳۷۶ ش
- حرعاملی، محمد، *وسائل الشیعه*، موسسه آل البيت، قم ۱۴۰۹ ق
- صدوق، محمد، *کمال الدین و تمام النعمه*، اسلامی، تهران ۱۳۷۷ ش
- _____، *معانی الاخبار*، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۳ ق
- _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ ق.
- طبرسی، احمد، *الاحتجاج*، مرتضی، مشهد ۱۴۰۳ ق
- طوسی، محمد، *المصباح المتهدد*، موسسه فقه الشیعه، بیروت ۱۴۱۱ ق
- _____، *تهذیب الأحکام*، دارالکتب الإسلامیه، چ ۴، تهران ۱۴۰۷ ق.
- قطب الدین راوندی، سعید، *الدعوات*، انتشارات موسسه امام مهدی علیه السلام، قم ۱۴۰۷ ق
- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، انتشارات دلیل ما، قم ۱۳۷۸ ش
- کفعمی، ابراهیم، *المصباح*، دارالرضی، ج ۲، قم ۱۴۰۵ ق
- _____، *بلد الامین*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۸ ق
- کلینی، محمد، *کافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۴۰۷ ق
- مجلسی، محمد باقر، *مرآة العقول*، دارالکتب الاسلامیه، چ ۲، تهران ۱۴۰۴ ق
- _____، *بحار الأنوار*، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، بیروت ۱۴۰۳ ق.
- _____، *زاد المعاد*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۲۳ ق
- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، صدرا، تهران ۱۳۷۹ ش
- مفید، محمد، *المقننه*، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم ۱۴۱۳ ق

